

After the fall of Reza Shah in September 1941 and the creation of an open political space, many parties were formed in Iran. One of these parties was the Tudeh Party, which was formed in October 1941. It started its work in Iran with fascism, but the party tried to seize power in Iran by forming a military organization and infiltrating the army with the help of Soviet military forces stationed in Iran and the unrest and chaos in the country and at the discretion of the Soviets.

The question of the present researcher is what was the role of the military organization of the Tudeh Party in the Democratic Party of Azerbaijan and what was its relationship with the Soviets and what was the purpose of this relationship?

The hypothesis of the present study is that the military organization of the Tudeh Party, following the Soviet policies in Iran, tried to implement the Soviet policies in Iran with measures such as the uprising of the Democratic Party of Azerbaijan.

The research method in this article is inductive method and its writing and compilation method is descriptive-analytical. Information and data extraction has also been done in the form of library and documents.

The findings of the present study show that the Tudeh Party's military organization, with the illusion of Soviet-backed military forces in Iran, had plans to stage a military coup and seize power in the future. Used to advance their policies in Iran.

بررسی نقش و عملکرد سازمان نظامی حزب توده در فرقه دموکرات آذربایجان با تاکید بر روابط با شوروی

مجید ملکشاهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

سینا فروزش^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

ستار عودی^۳

چکیده:

پس از سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و ایجاد فضای باز سیاسی بسیاری از احزاب در ایران تشکیل شدند یکی از این احزاب حزب توده بود که در مهر ۱۳۲۰ تشکیل شد این حزب که در ابتدا با شعارهای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و تاکید بر قانون اساسی و مبارزه با فاشیسم کار خود را در ایران آغاز کرد اما حزب با تشکیل سازمان نظامی و نفوذ در ارتش و با مدد نیروهای نظامی شوروی مستقر در ایران و وضعیت ناآرام و هرج و مرج در کشور و بنا بر صلاحدید شوروی سعی در قبضه قدرت در ایران داشتند مسئله پژوهش حاضر اینست که نقش سازمان نظامی حزب توده در فرقه دموکرات آذربایجان چه بوده و این سازمان چه ارتباطی با شوروی ها داشتند و هدف از این ارتباط چه بود؟

فرضیه تحقیق حاضر این است که سازمان نظامی حزب توده در پی سیاستهای شوروی در ایران با اقداماتی چون قیام فرقه دموکرات آذربایجان سعی در پیاده کردن سیاستهای شوروی در ایران داشتند

روش تحقیق در این مقاله روش استقرایی و شیوه نگارش و تدوین آن به صورت توصیفی تحلیلی می باشد استخراج اطلاعات و داده ها نیز به صورت کتابخانه ای و اسنادی صورت گرفته است

یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد که سازمان نظامی حزب توده با توهم مدد نیروهای ارتش شوروی در ایران نفوذ در ارتش برنامه هایی برای ایجاد یک کودتای نظامی و گرفتن قدرت در آینده داشتند اما شوروی سازمان نظامی حزب توده را به عنوان ابزار و اهرم فشار علیه دولت مرکزی استفاده می کرد که سیاستهای خود را در ایران به پیش ببرند.

کلید واژه: حزب توده، سازمان نظامی حزب توده، شوروی، فرقه دموکرات آذربایجان، بهلولی دوم

دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران^۱

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)^۲

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز^۳

در ریشه یابی جنبش چپ در ایران ابتدا باید به نمایندگان گروه سیاسی به نام همت که در باکو مستقر بودند اشاره کرد که نخستین شعبه های حزب سوسیال دموکرات در سال ۱۲۸۳ آنهم در مشهد، تبریز و تهران تاسیس کردند که به اجتماعیون عامیون و مجاهدین معروف بودند بعدها در سال ۱۲۹۵ در باکو کمیته عدالت تاسیس شد که بیشتر اعضای آن ایرانی بودند در دوم تیرماه ۱۲۹۹ کمیته عدالت در اولین کنگره در انزلی خود را حزب کمونیست ایران نامید. در دوره رضاخان فعالیت کمونیستهای ایرانی به رهبری تقی ارانی با داشتن مجله دنیا ادامه داشت رضاخان هم در ابتدا با آنها مغالزه سیاسی داشت اما در ادامه به جرم اشتراکی و ترجمه کتابهای مانفیسست کمونیست دستور تعقیب و دستگیری صادر و گروهی موسوم به ۵۳ نفر دستگیر و زندانی شدند بعد از سقوط رضاخان و بازشدن فضای سیاسی زندانیان آزاد شده گروه ۵۳ نفر همراه با همفکرانشان حزبی با نام توده را در ۷ مهر ۱۳۲۰ تاسیس کردند این حزب در ابتدا با شعارهای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و تاکید بر قانون اساسی و مبارزه با فاشیسم کار خود را آغاز کرد حزب در گروههای مختلف جامعه سعی در ایجاد تسکیلات وابسته به خود بود یکی از مهمترین تسکیلات وابسته به حزب توده سازمان نظامی حزب توده بود که به پشتوانه حضور نیروهای نظامی شوروی اقداماتی را در را

ستای اهداف و مصالح سیاسی شوروی در ایران انجام می داد و مانند اهرم فشاری علیه دولت مرکزی ایران عمل می کرد. حزب توده یکی از متشکل ترین و بانفوذترین حزبهای تاریخ معاصر ایران محسوب می شود این حزب با نفوذ در ارتش ایران و تشکیل سازمان نظامی حزب سعی داشت با توجه به هرج و مرج در اوضاع داخلی کشور و مدد نیروهای نظامی شوروی در ایران پشتوانه ای برای تداوم حزب توده و در صورت فراهم بودن شرایط برای قیام مسلحانه بتواند قدرت را در ایران قبضه کنند هر چند شوروی از سازمان نظامیان مانند اهرمی برای فشار بر دولت مرکزی ایران برای پیشبرد مصالح سیاسی خود استفاده می کرد.

پژوهش اصلی مقاله حاضر اینست که سازمان نظامی حزب توده چگونه مصالح سیاسی شوروی در ایران را تامین می کرد؟

در باره پیشینه تحقیق در مورد سازمات نظامی حزب و ارتباط آن با شوروی تاکنون تحقیقی انجام نگرفته است.

اهمیت تحقیق و تفحص در مورد سازمان نظامی حزب توده که یکی از مهمترین تسکیلات وابسته به حزب می باشد دارای اهمیت است چرا که فعالیت های سازمان نظامی کاملاً محرمانه و مخفیانه بوده است بنابراین پرداختن به سازمان نظامیان حزب توده می تواند زوایای مبهم و تاریک فعالیت سازمان نظامی حزب توده و ارتباط آنها با دولت شوروی را روشن کند.

ضرورت انجام این تحقیق آنست که شناخت و چگونگی عملکرد حزب توده و سازمان نظامی وابسته به آن در فرقه دمکرات آذربایجان مورد بررسی قرار گیرد.

چگونگی تشکیل حزب توده و سازمان نظامی وابسته به آن

اندیشه های حزب سوسیال دموکرات کارگران روسیه حتی پیش از انقلاب اکتبر نیز به ایران رسیده بود در واقع نمایندگان گروه سیاسی به نام همت که در باکو مستقر بود، نخستین شعبه های حزب سوسیال دموکرات را در سال ۱۲۸۳ در مشهد، تبریز و تهران تاسیس کرده بودند، این شعبه های محلی که قرار بود رابط بین بلشویکهای روسیه و طبقه کارگر ایران باشد در ایران به اجتماعيون، عاميون ومجاهدين معروف بودند (لاجوردی، ۱۳۶۹، ۶). البته باید تصریح کرد که نمایندگان سوسیال دموکرات (اجتماعيون عاميون) مارکسیست به معنای واقعی کلمه نبودند و در بینش خود تصوراتی احساساتی و رومانتیک در باره دموکراسی، مردم و انقلاب و انقلاب رحمتکشان داشتند و شیوه های پارلمانی، وضع روحانی و ترور انقلابی افراد ارتجاعی را دنبال می کردندو حتی برخی از آنها در سازمان فراماسون و جمعیت آدمیت (که خود به فراماسون مربوط بود) عضویت داشتند. (طبری، ۱۳۶۷، ۱۵) محیط انقلابی روسیه در اواخر دهه ۱۲۹۰ و آرزوی ایرانیان برای ایجاد تحول عمده ای در زندگی سیاسی ایران، آنان را تشویق کرد که خود سازمانهای سیاسی تشکیل دهند و یا به سازمانهای سیاسی موجود بپیوندند، در نتیجه کمیته عدالت در سال ۱۲۹۵ در باکو تاسیس گردید، بیشتر اعضای کمیته عدالت از ایرانیانی بودند که در باکو به معلمی و روزنامه نگاری و کارگری در صنعت نفت اشتغال داشتند، میرزا اسدالله غفارزاده به سمت اولین رئیس کمیته انتخاب شد، سایر رهبران کمیته عدالت انقلابیونی از قبیل میرزا جعفر پیشه وری، آوتیس سلطانزاده، دکتر سلام الله جاوید و حیدرخان عمو اوغلی بودند که همگی مدتها در روسیه اقامت داشتند. (لاجوردی، ۱۳۶۹، ۱۹-۱۸) در تاریخچه احزاب سیاسی ایران دوم تیر ۱۲۹۹ روز مهمی است، در آن روز کمیته عدالت اولین کنگره خود را در بندر انزلی برگزار کرد و خود را حزب کمونیست ایران نامید(همان، ۱۰). حزب کمونیست ایران طی مدت حکومت رضاشاه آنی مبارزه خود را ترک ننمود؛ قیام مسلحانه گیلان، فعالیت نسبتا وسیع مطبوعاتی، سازمانی و اتحادیه ای در شرایط مساعد نخستین سالهای پس از کودتای سوم اسفند، فعالیت عمیقا زیرزمینی دوران سلطنت رضاشاه بالاخره نقش روشنفکرانه مجله دنیا که توسط دکتر ارانی و یارانش تاسیس گردید و تاثیر بزرگی در تربیت کادرهای مارکسیستی گذارد. (کامبخش، ۱۳۹۰، ۳۴۶) اما حکومت رضاخان تحمل فعالیت افراد وابسته به حزب کمونیست را نداشت. مهمترین دستگیریها در اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ به وقوع پیوست. در این سال، پلیس ۵۳ نفر را به اتهام تشکیل سازمان مخفی اشتراکی، انتشار بیانیه مه مه (روز کارگر)، سازماندهی اعتصابات دانشکده فنی و کارخانه نساجی اصفهان و ترجمه کتابهای الحادی مانند کاپیتال مارکس و مانیفیست کمونیست، دستگیر کرد. اگر چه پنج تن از دستگیر شدگان بلافاصله آزاد شدند، این گروه به پنجاه و سه نفر معروف شد. همین افراد چند سال بعد هسته اولیه حزب توده را تشکیل دادند. (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ۱۹۳). در سال ۱۳۲۰، پس از اشغال بخشی از خاک ایران توسط شوروی، مسئولین انترناسیونال کمونیستی (کمیترن) مسئله تاسیس یک حزب سیاسی را که حاصل اهداف و منافع اتحاد شوروی در فضای سیاسی نوین ایران باشد در دستور کار قرار دادند، از دیدگاه کمیترن و با تجربه شکست حزب کمونیست ایران، تاسیس یک حزب کمونیستی خالص ضرورت نداشت حزب جدید باید یک حزب دارای پوشش و نام ملی و غیر کمونیستی می بود، تا بتواند در جامعه ایران پایگاه اجتماعی کسب کند. (حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی، ۱۳۸۷، ۸۹) حزب توده ایران در

هفتم مهر ۱۳۲۰ به ابتکار ایرج اسکندری و مشارکت برخی از زندانیان سیاسی آزاد شد و فعالان سیاسی قدیمی در تهران تشکیل شده حزب توده در شرایطی فعالیت خویش را آغاز کرد که دیکتاتوری رضاشاهی بر اثر ورود ارتش متفقین به ایران، به تازگی فروپاشیده بود و بخشی از جامعه تحت تاثیر تبلیغات فاشیست ها و هواداران ایرانی آنان، در بند تفکرات آلمان دوستانه بودند و جاسوسان و خرابکاران آلمانی با استفاده از چنین روحیاتی کوشیدند اهداف خویش را به پیش ببرند. (خسروپناه، ۱۷، ۱۳۷۷). بر این اساس فعالیت حزب توده دو عرصه را در بر می گرفت: یکی بدست آوردن آزادیهایی که به موجب قانون اساسی برای ملت ایران شناخته شده و جلوگیری از ارتجاع و استبداد با اتکاء به قدرت جمعی توده مردم و عرصه دیگر فعالیت گسترده بر علیه فاشیسم و زدودن روحیات آلمان دوستانه در جامعه. (همان، ۱۸) با تبلیغ چنین سیاست ها و اهدافی، حزب توده به تدریج در جامعه ایران مطرح شد و رو به توسعه و رشد نهاد، در ارتش نیز حزب توده تلاش می کرد افسران ناراضی و آرمان خواهی را که پس از ناامید شدن از آمان هیتلری در جست و جوی محملی برای تحقق برنامه هایشان بودند به سمت خود بکشاند. (همان، ۱۹) بسیاری از این نظامیان با مشاهد تظاهرات خیابانی اعضای حزب توده واتحادیه های کارگری، مطالعه روزنامه ها و نشریات این حزب و شرکت در جلسات بحث و انتقاد که دوشنبه ها در دفتر حزب توده برپا می شد به تدریج به این حزب تمایل و گرایش یافتند. همچنین فعالیت تبلیغات پنهانی سازمان نظامیان عضو حزب توده در بین افسران نیروهای مسلح، به تدریج بخشی از افسران ناسیونالیست و آرمان خواهی را که زیر تاثیر تبلیغات هواداری از آلمان بودند به سمت حزب توده هدایت کرد؛ بر اثر تلاش و فعالیت سرهنگ عبدالرضا آذر و سرگرد علی اکبر اسکندانی، شمار قابل توجهی از افسران و دانشجویان جذب و در تشکیلات حزب توده کخ به تدریج شکا می گرفت سازماندهی شدند. (همان، ۲۱) بر اسای بیوگرافی رسمی سرهنگ عزت الله سیامک، مندرج در کتاب شهیدان توده ای، سازمان نظامی حزب توده توسط عبدالصمد کامبخش، عزت الله سیامک و خسرو روزبه تاسیس شد و تاریخ این تاسیس ظاهرا اوایل ۱۳۲۳ است و اولین مسئول سازمان نظامی در کمیته مرکزی کامبخش بود. (کیانوری، ۱۳۷۱، ۸۶-۸۵) در واقع سازمان افسری ستون فقرات حزب منحل توده را تشکیل می داد و از همین روست که با شکسته شدن این ستون فقرات حزب منحل توده نیز نیروی اصلی خود را از دست داد و پشت سر هم ضربات شدیدی مانند کشف چاپخانه مخفی، روزنامه مردم و سایر نشریات مخفی توده ای و دستگیری شبکه های اصلی سازمان اطلاعات، سازمان جوانان توده و شورای متحده مرکزی و کشف انبارهای بزرگ مهمات حزب منحل و بالاخره بازداشت عده کثیری از رهبران و فعالین حزب منحل بر وی وارد آمد. (بختیار، ۱۳۳۴، ۱) اساس سیستم تشکیلاتی افسران توده بر اصول زیرین استوار بوده است:

۱- انضباط شدید و تمرکز فوق العاده - روش هدایت فقط از طرف بالا به پایین یعنی از مقامات بالای سازمان نسبت به درجات پایین تر و افراد صورت می گرفته و بالعکس واحدها و افراد سازمان جز اطلاعات مطلق و بیقید و شرط هیچ حقی نسبت بمقامات بالاتر نداشته اند از دموکراسی تشکیلاتی که حزب منحل توه اینقدر دم از آن میزند بطور سریع و رسمی کوچکترین اثری در اساسنامه و تشکیلات این سازمان دیده نمیشود بجای آن فقط تمرکز و انضباط شدید پائین نسبت به بالا وجود دارد و بس

۲- پنهانکاری و استتار بحد اعلا - آخرین و جدیدترین طرق پنهان کاری و استتار در سازمان افسران توده بکار بسته می‌شده و منتهای کوشش بکار میرفته است که هر قدر بیشتر ممکن است رعایت اختفاء را بنمایند بطوریکه کشف این سازمان برای مامورین انتظامی امکان ناپذیر گردد.

۳- مراقبت و نظارت کامل - سازمان افسران توده و مسئولین آن منتهای مراقبت و نظارت را نسبت بافرااد سازمان، کارها، خصوصیات روحی، روابط خانوادگی و اجتماعی و اداری آنها و فعالیت واحدها و طرز کار آنها بعمل آورده و جزء بجزء اقدامات و عملیات آنها را زیر نظر داشته و بموقع مورد بازخواست قرار میداده اند. برای اجرای این مراقبت دستگاه اطلاعاتی و آمارگیری بسیار دقیق در داخل سازمان ایجاد نموده و آرشو و آمار بسیار منظمی تهیه کرده و مورد استفاده قرار میداده اند (همان، ۷۱).

سازمان افسران حزب توده و فرقه دموکرات

فرقه دموکرات آذربایجان نام حزبی سیاسی است که در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ در تبریز، سه ماه پس از فرمان محرمانه دفتر سیاسی کمیته مرکزی اتحاد شوروی اعلام موجودیت نمود. (طالع، ۱۳۹۸، ۲۵۲-۲۵۴) اما برخی بر این باورند که فرقه دموکرات آذربایجان به معنای صحیح و علمی حزب نبود بلکه جبهه ای بود از تمام مردم و کلیه طبقات آذربایجان که تنها شرط ورود به آن قبول مرامنامه فرقه بود. (جامی، ۱۳۶۲، ۲۹۴) رهبری فرقه دموکرات برعهده میر جعفر پیشه وری بود. وی در اواخر دهه ۱۸۸۰ یا اوایل دهه ۱۸۹۰ در تبریز متولد شد بخش اعظم جوانی خود را در روسیه و چندسالی را نیز در باکو به عنوان معلم گذراند او مراحل نخست نهضت‌های رادیکال روسیه و ایران را تجربه کرده بود. دز انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حضور داشت در انقلاب مشروطه از ستارخان حمایت کرد. پیشه وری از جمله ایرانیان مهاجر بود که در باکو فرقه عدالت را بنیان نهاد و چنان که بعدها روشن شده در حزب کمونیست ایران نقش مهمی ایفا کرد او نیز مانند پاره ای از دیگر همکارانش که به فرقه دموکرات پیوستند، در نهضت گیلان نقش مهمی داشت و حتی در ایام حکومت مستعجل جمهوری ایران در گیلان کمیسر داخله بود..... در سالهای نخست دهه ۱۳۱۰ نیز در ایران فعال بود و با گروهی دیگر به جرم فعالیت کمونیستی بازداشت شد. (فاوست، ۱۳۷۳، ۸۹) وی بعد از سقوط رضاخان از زندان آزاد و در تهران روزنامه آژیر را منتشر کرد در ادامه و در پی ملاقات بین میر جعفر باقروف و سید جعفر پیشه وری در جلفای شوروی صورت گرفت با اعتماد به باقروف و به اعتبار خدمت به ملت ایران و بعد از مذاکرات و مکاتبات فراوان با علی شهبستی موقتا روزنامه آژیر را در اختیار رفقای خود گذاشت و در اوایل شهریور ۱۳۲۴ با آمدن به تبریز اولین گام را در تشکیل فرقه دموکرات برداشت. (الموتی، ۱۳۷۰، ۴۵۳) در سال ۱۹۹۴ سیاست ارتش شوروی در مورد ایران و آذربایجان تغییر یافت. چرا که آزادی سرزمین های شوروی از دست فاشیست ها و عبور ارتس سرخ از مرزهای کشورهای اروپایی آتش توسعه طلبی شوروی را شعله ور ساخت و در نتیجه ورود به مناطق دارای منابع انرژی ایران و کشورهای خاورمیانه مجددا برای شوروی جذاب شد. (حسنلی، ۱۳۶۷، ۴۳) بر این اساس آذربایجان ایران که زمینه هایی اعتراضی به تبعیض حکوت مرکزی نسبت به فرهنگ زبان و اقتصاد محلی وجود داشت انتخاب شد و

اهرم فشار در این منطقه علیه حکومت مرکزی ایران فرقه دموکرات بود. به دستور باقراف در ماه ژوئیه ۱۹۴۵ (تیر - مرداد ۱۳۲۴) عبدالصمد کامبخش عضو کمیته مرکزی حزب توده و نماینده مجلس شورای ملی، صادق پادگان مسئول کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان، شبستری و میر جعفر پیشه وری مدیر روزنامه آژیر را مخفیانه به باکو آوردند. در مذاکرات باکو تصمیم گرفته شد که میر جعفر پیشه وری به طور موقت رهبری فرقه دموکرات آذربایجان را بر عهده بگیرد. (حسنلی، ۱۳۸۳، ۵۴) همچنین در مورد ریشه های شکل گیری فرقه دموکرات باید به سند شماره ۲ اشاره شود مبنی بر فرمان دفتر سیاسی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به میر جعفر باقروف صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در مورد "اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمالی ایران" (ژوئیه ۱۹۴۵ / ۱۵ تیر ۱۳۲۴ فوق محرمانه به رفیق باقروف (بیات، ۱۳۸۳، ۱۵۱) واکنش ابتدایی حزب توده به تشکیل فرقه دموکرات قابل تامل است. مسائل مربوط به فرقه دموکرات با مخالفت شدید توده ای ها روبه رو شد و کمیته مرکزی حزب توده با تمام وسایل برای جلوگیری از به سرانجام رسیدن این کار کوشش می کرد..... پادگان در جهت کوشش برای رفع مخالفت های کمیته مرکزی حزب توده به تهران رفت. (حسنلی، ۱۳۸۳، ۱۲۹) حزب توده در ابتدای کار فرقه دموکرات با مخالفت با آن موضع گرفت. سران حزب توده از ظهور فرقه دموکرات بی اطلاع بودند و الحاق تشکیلات حزب توده آذربایجان به فرقه دموکرات اعتراض بسیاری از آنان را برانگیخت اما در این مقطع فرقه دموکرات برای سران کرملین در دستیابی به اهداف اقتصادی از اولویت زیادی برخوردار بود و حزب توده با فشار مقامات شوروی حاضر به همکاری با فرقه دموکرات شد. (مرادی مراغه ای، ۱۳۸۱، ۳۲۰) در ۲۲ شهریور به تقاضای نوری قلی اوف نایب کنسول شوروی در تبریز، کمیته ایالتی حزب توده و اتحادیه کارگری در آذربایجان بدون نظرخواهی و کسب تکلیف از رهبری حزب توده و شورای متحده کارگری به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند. (اسکندری، ۱۳۷۲، ۵۶۸)

چگونگی ملحق شدن افسران حزب توده به فرقه دموکرات آذربایجان

سازمان نظامیان نیز همانند حزب توده پس از اعلام خودمختاری آذربایجان با تمام امکانات به حمایت از آن برخاست. (سازمان افسران حزب توده، خسروپناه، ۸۱) و افسران را از نقاط مختلف و با تمام قدرت برای مدد به فرقه دموکرات اعزام کرد. سروان دانش در اعلامیه ای اعلام کرد:

...ما رفتیم تا به رفقای خود در آذربایجان ببینیم و مبارزه آشتی ناپذیر خود را با مزدوران و خیانتکاران به وطن ادامه دهیم. (جامی، ۱۳۶۲، ۳۵۸)

تعدادی از افسران فراری ارتش ایران از جمله کسانی که در شورش خراسان شرکت داشتند و همچنین تعدادی از افسران ارتش شوروی در میان این تقریباً سی نفر افسران (ارتش جدید) حضور داشتند. (فاوست، ۱۳۷۳، ۱۰۳) همچنین در ادامه به رغم تاکید وزیر جنگ، رئیس ستاد ارتش بر اصلاح و پاکسازی ارتش، روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵، ۱۸ نفر از

افسران بازداشت شده در کرمان که به تهران بازگردانیده شده بودند مانند سرگرد جعفر سلطانی آزاد، سرگرد رشیدی، سروان رحمانی، سروان جودت، ستوان یکماریتشیار، ستوان یکم دبیرنیا، ستوان یکم بدیع تبریزی، ستوان دوم ارسلان پور، ستوان دوم روئین دژ و دیگران به وسیله هواپیمای پستی شوروی از تهران به تبریز منتقل شدند. (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۹۲) همچنین در مورد خلبانان سازمان نظامی حزب توده که هواپیماهای ارتش را ربوده و به آذربایجان پیوستند بر اساس بررسی منابع چهار خلبان توده ای به اسامی علی جودی، مرتضی زربخت، جواد زرینه و خلبان سیف الدینی با چهار هواپیمایی که ربوده بودند به فرقه دمکرات آذربایجان پیوستند. در این مورد زربخت می گوید:

قبل از اینکه جودی و من به آذربایجان پرواز کنیم، خلبان سیف الدینی با یک هواپیمای باشگاه هواپیمایی از نوع ربرویند پرواز کرد و رفت در زنجان نشست ... این حادثه در زمستان ۱۳۲۴ اتفاق افتاد (زربخت، ۸۹-۸۸) همچنین در اسفند ۱۳۲۴، ستوان خلبان جواد زرینه به اتفاق استوار فنی به نام محمد علی پیدا از فرودگاه دوشان تپه یک هواپیمای جنگی "هایند" را ربودند و به سوی تبریز پرواز کردند. (همان، ۸۹). البته باید اشاره کرد که این هواپیماها برای ارتش فرقه دمکرات کارایی چندانی نداشتند تا جایی که نجفقلی پسیان می نویسد: رسته هوایی فرقه دمکرات از سه هواپیما تشکیل می شد و سرهنگ آگهی (سروان سابق ارتش) ریاست آنرا عهده دار بود این هواپیماها بدون وسائل و مهمات برای متجاسرین بی استفاده بود. (پسیان، ۱۳۲۸، ۱۳۰)

اسامی سی نفر از افسران متواری که به فرقه دمکرات پیوستند به شرح ذیل می باشد:

۱- ژنرال عبدالرضا آذر ۲- ژنرال عظیمی ۳- ژنرال نوائی ۴- ژنرال میلانیا ۵- نایب کلنل پیاده پحمد علی پیرزاده ۶- نایب کلنل حاتمی ۷- نایب کلنل پیاده محمدقاضی ۸- نایب کلنل توپچی شفائی ۹- نایب کلنل هوایی آگهی ۱۰- نایب کلنل پیاده مرتضوی ۱۱- ماژور فاطمی ۱۲- ماژور پزشکیان ۱۳- ماژور قاسمی ۱۴- ماژور توپچی خلعت بری ۱۵- ماژور توپچی رزم آور ۱۶- ماژور سوار ندیمی ۱۷- ماژور مهندس طغرای ۱۸- ماژور مهندس قمصریان ۱۹- ماژور مهندس سلیمی ۲۰- ماژور مهندس آگاهی ۲۱- ماژور رصدی اعتماد ۲۲- سلطان پیاده کیهان ۲۳- سلطان توپچی تفرشیان ۲۴- سلطان توپچی شهنور ۲۵- سلطان توپچی فروغیان ۲۶- سلطان توپچی رئیس دانا ۲۷- سلطان توپچی پور هرمرزان ۲۸- سلطان توپچی وطن پور ۲۹- سلطان مهندس قهرمانی ۳۰- سلطان مالی غفاری (همان، ۱۳۲-۱۳۱). با کمک افسران اعزامی از آذربایجان شوروی، در مدتی کوتاه در سراسر آذربایجان یک ارتش منظم ۱۷ هزار نفره ایجاد شد و دانشکده افسری برای آماده کردن افسران این ارتش تاسیس گشت که ۲۵۰ افسر برای ارتش ملی (فرقه دمکرات) آماده کرد. (حسنلی، ۱۳۸۳، ۱۲۹)

اهمیت افسران حزب توده در ارتش آذربایجان تا جایی است که ریاست ستاد ارتش آذربایجان اداره نظام وظیفه دانشکده افسری بر عهده افسران حزب توده بود. در ابتدا آن گروه از افسرانی که در شاه اولان باقی مانده بودند در سه گروه به آذربایجان منتقل شدند و با ارتقا یک درجه نظامی موظف به تشکیل اداره نظام وظیفه، دانشکده افسری و آموزش و طراحی لباس و تعیین درجات ارتش در حال تشکیل فرقه دمکرات را بر عهده گرفتند. ریاست ستاد ارتش آذربایجان خودمختار نیز بر عهده سرهنگ آذر بود (که اینک ژنرال شده بود) قرار گرفت و اداره نظام وظیفه به ریاست سرگرد شفایی فعالیت

خویش را آغاز کرد (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۸۶). به طور کلی ما بین افسران فراری که هسته اصلی کادر ارتش متجاسرین را تشکیل می‌دادند، چند نفر افسر با اطلاع و فهمیم که می‌توانستند فرماندهی واحدهای صنفی و استادی دانشکده افسری را عهده دار شوند وجود داشتند که از میان فرماندهان می‌توان به پناهیان و آذر و از بین افسران مربی می‌توان فریور، طغرای و مشهور را نام برد (پسیان، ۱۳۲۸، ۱۳۴) سازمان افسران از آن جهت که یکی از تشکیلات حزب توده به حساب می‌آمد و این حزب دوستدار کشور شوروی محسوب می‌شد می‌توانست عاملی برای نفوذ این دولت در نظام ایران باشد که همینطور هم شد و باره به این موضوع در کتابها و اسناد تاریخی مختلف اشاره شده است. (قنبری، ۱۳۹۳، ۸۳)

البته باید اشاره کرد که بین نیروهای افسران توده ای و نیروهای موسوم به فدایی اختلافاتی هم وجود داشت. به رغم فعالیت افسران سازمان حزب توده در سازماندهی و تقویت ارتش فرقه دموکرات آذربایجان به تدریج بین آنها و رهبری و اعضای فرقه اختلافات عمیق و گسترده ای پدید آمد. رهبری فرقه افسران اعزامی را از خود نمی‌دانست ک در اغلب موارد اصولاً آنها را به حساب نمی‌آورد، فقط به عنوان کارشناس و متخصص فداکار و کم توقع و صمیمی به آنان می‌نگریست. (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۹۵) این اختلاف تا جایی پیش رفت که ژنرال آذر از ریاست ستاد ارتش آذربایجان برکنار شد. برای سرهنگ آذر پرونده ای مبنی بر خیانت و روابط با سفارت انگلستان در تهران ساختند و به رفقای شوروی دادند آنها به درخواست پیشه وری، آذر را محترمانه به باکو بردند. (همان، ۹۷) کار به جایی رسید که افسران فدایی مدعی شدند که بیشتر اعضا سازمان نظامیانیا (فارس افسر لر) جاسوس هستند و به سوی آنان تیر اندازی می‌کردند. (همان، ۹۸)

شوروی و ایجاد فرقه دموکرات آذربایجان

فرقه دموکرات آذربایجان ساخته و پرداخته حکومت شوروی بود تا بدینوسیله بتواند اهداف سیاسی خود را در ایران دنبال کند. کابینه آقای صدر روش بسیار شدیدی بر علیه موسسات و باشگاههای احزاب دست چپ و مخصوصاً حزب توده که مورد علاقه همسایه شمالی بود در پیش گرفت. مامورین بیگانه که وسیله قانونی دیگری برای پیشرفت مقاصد خود نمی‌دیدند در صدد پنجه ای درآمدن تا بدان وسیله بتوانند گلوی دولت ایران را بفشارند، این پنجه آذربایجان بود. (پسیان، ۱۳۲۸، ۲۵).

هدف دولت مرکزی شوروی از مدد به فرقه دموکرات آذربایجان، تغییر سیاست یک جانبه غرب گرایانه دولت مرکزی ایران؛ زیرا دولت شوروی می‌خواست با تقویت عناصر آزادیخواه و متمایل به سیاست شوروی در حکومت ارتجاعی ایران تغییری به وجود ورد و در امتداد مرزهای گسترده شوروی دولت های دوست به وجود آورد. (یزدی، ۱۳۶۲، ۱۱۲) همچنین اتحاد شوروی بر آن بود که از طریق اشغال شمال ایران، حمایت از حزب توده و شورشیان آذربایجان و درخواست سهمی در بهره برداری از نفت ایران، موازنه قدرت نیروهای کشور را به نفع خود تغییر دهد. (فاوست، ۱۳۷۳، ۳۱۷)

قرارداد قوام سادچیکف و پایان کار فرقه دموکرات آذربایجان

شوروی با همان سرعتی که رو به هجوم رفت و سیاست ایرانی خود را برپای نفت و آذربایجان برپا کرد، با دیدن وضع نامساعد دست به عقب نشینی زد. شانتاژ اتمی آمریکا، پس از جنایت او در هیروشیما و ناکازاکی، به عنوان ورق برنده کاری در دست آمریکا بود و شوروی ریسک و خطر کردن را دوست نداشت، به ویژه آن که خود سلاح اتمی را با نهایت قوت تدارک می دید ولی برای نیل به هدف، به داشتن فرصت محتاج بود. این شرایط عقب نشینی شدید و زننده ی سیاست استکباری شوروی را در باب ایران موجب شد. (طبری، ۱۳۶۷، ۷۵) در ۴ آوریل ۱۹۴۶ (۱۵ فروردین ۱۳۲۵) پیش نویس موافقت نامه ای از سوی قوام و ایوان سادچیکف به امضا رسید که متضمن خروج نیروهای شوروی از ایران تا ۹ مه ۱۹۴۶ (۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۵) بود. متقابلاً ایران متعهد می گردید که امتیاز نفت شمال را شوروی به صورت تاسیس یک شرکت نفت مشترک ایران و شوروی داده و مشکل آذربایجان را به نحو مسالمت آمیز و با در نظر گرفتن درخواست های قانونی مردم آن استان حل و فصل سازد. (ذبیح، ۱۳۶۴، ۱۷۷) در مقطعی اشغال ایران توسط شوروی و اعلام حکومت خودمختار آذربایجان سبب شد تا دولت وقت ایران به نخست وزیری حکیمی به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کند اما قوام سیاست مغالزه با استالین را پیش گرفت و در داخل کشور به سران جاه طلب حزب توده روی خوش نشان داد و سه عضو رهبری حزب توده را برای مدت کوتاهی به کابینه خود وارد کند (ایرج اسکندری وزیر بازرگانی و پیشه و هنر، دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ، دکتر مرتضی زدی وزیر بهداشتی) و امتیازاتی را به فرقه دموکرات آذربایجان داد ولی پس از چندی تحت فشار دولت های آمریکا و انگلیس و با توافق هایی که میان سران سه قدرت، در تقسیم عرصه های نفوذ خود در جهان بوقوع پیوست، ارتش سرخ شوروی از ایران خارج شد. (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷، ۱۱۰) شوروی که آماده مصالحه با ایران بود، هنگامی که با سنگینی بار افکار عمومی جهان روبه رو شد، حاضر شد نیروهایش را در عرض شش هفته فراخواند. (فاوست، ۱۳۷۳، ۱۰۷) اما در واقع شوروی با خارج کردن ارتش سرخ از ایران به عمر انقلاب آذربایجان پایان داد و حکومت آذربایجان یکی از قربانیان دیپلماسی شوروی در لفافه روح اترناسیونالیسم بود. (ذبیح، ۱۳۶۴، ۱۸۸) در ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر ۱۳۲۵) یعنی درست یکسال پس از تاسیس رژیم آذربایجان، ارتش وارد تبریز شد و در ظرف چند روز غائله آذربایجان و کردستان به خاموشی گرایید. رهبران برجسته فرقه دموکرات از جمله پیشه وری و یاران نزدیکش، از رودخانه ارس عبور کردند و به شوروی گریختند. اما بیشتر کادرهای پایین فرقه دموکرات دستگیر شدند. برخی از افسران فعال فرقه دموکرات از جمله افسران فراری ارتش، به دار آویخته شدند. (همان، ۱۸۶) اما به قول زربخت شوروی طفلی را که زاییده بود سر راه گذاشت تا طعمه گرگ ها شود. (زربخت، ۱۳۸۲، ۱۰۳) یعنی آن قدرت خارجی تا زمانی از آن جنبش حمایت خواهد کرد که با منافع هماهنگی داشته باشد و به محض این که مصالحش ایجاب کند حیات آن جنبش را مورد معامله قرار خواهد داد نمونه زنده آن حکومت یک ساله پیشه وری در آذربایجان بود که بنا به مصلحت شوروی سابق، یک شبه به وجود آمد و باز هم بنا به مصلحت شوروی یک شبه مورد معامله قرار گرفت و آن تراژدی وحشتناک را به همراه آورد. (همان، ۱۰۴)

تاثیر شکست فرقه دموکرات بر حزب توده

تاثیر شکست فرقه دموکرات آذربایجان بر حزب توده بسیار سنگین بود. رهبری حزب توده به رغم مخالفت اولیه اش تا آخرین لحظه و با تمام امکانات از فرقه دموکرات و خودمختاری آذربایجان حمایت کرده بود و اینک می بایست تاوان چنین شکستی را پذیرا می شد. حزب توده در صحنه سیاسی کشور منزوی و مورد سرزنش و تحقیر جناح های مختلف سیاسی و حتی متحدان دیروزش قرار گرفت و همه از آن براثت می جستند. (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۱۰۷)

شکست فرقه و در واقع شکست سیاسی تهاجمی شوروی در خاورمیانه، سبب کاهش چشمگیر اعضا حزب توده شد و شمار اعضای آن، که در زمان عضویت وزرای توده ای در کابینه قوام ۶۰۰۰ نفر رسیده بود، ناگهان به ۱۵۰۰ نفر کاهش یافت. باشکست غائله آذربایجان، تعدادی از سران حزب توده، که در وقایع آذربایجان و اغتشاشات سایر نقاط کشور دخالت داشتند، مانند عبدالصمد کامبخش، ایرج اسکندری، آرداشس آوانسیان و رضا روستا به شوروی گریختند. (جمعی از پژوهشگران، ۱۱۱، ۱۳۸۷-۱۱۰)

افسران حزب توده بعد از شکست فرقه دموکرات آذربایجان

سحرگاه ۱۹ آذرماه ۱۳۲۵ عملیات ارتش ایران آغاز شد و به رغم پیشروی واحدهایی از ارتش فرقه دموکرات به سوی زنجان، رهبری فرقه به دستور مسئولین سیاسی شوروی، فرمان ترک مقاومت و عقب نشینی را صادر کرده و به اتحاد شوروی پناهنده شدند. (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۱۰۴)

برخی افسران توده ای مانند تفرشیان، زربخت، احسانی، ارتشیار و... با تجهیزات نظامی که در اختیار داشتند به مهاباد عقب نشینی کرده و به نیروهای ملا مصطفی بارزانی پیوستند و تا مدتی به جنگ و گریز با ارتش ایران پرداختند. پس از فروپاشی فرقه... این بار رژیم هیچ گونه رحمی به افسران دستگیر شده نکرده و بسیاری را اعدام کرد. (فرهمند، ۱۳۸۳، ۳۰۳)

افسران توده ای که از کشتارها جان سالم به در برده بودند را به تبریز منتقل کرده و به دادگاه صحرایی سپردند و افسران زیر به اعدام محکوم شدند:

سرهنگ دوم ستاد ابولقاسم عظیمی، سرگرد سوار جعفر سلطانی آزاد، سرگرد پیاده علی اکبر حبشی، سروان پیاده یوسف مرتضوی، سروان پیاده حسن قاسمی، سروان هوایی محمد باقر آگهی، سروان پیاده غلامحسین ناصری، سروان توپخانه احمد جودت، ستوان یکم مالی حسین غفاری، ستوان یکم سوار غلامرضا دبیرنیا، ستوان یکم پیاده افتخار هریس، ستوان یکم پیاده علی اکبر ثمری، ستوان دوم سوار قربانعلی آرین تاش، ستوان دوم مهندس حسین کوپال، ستوان دوم پیاده علی عالی ثنایی، ستوان دوم پیاده عبدالله ستارزاده، ستوان دوم عظیم بلندی جاوید، ستوان دوم سوار عطاالله زندیان، ستوان شیرین نژاد، سروان حبیب الله خاکزادی، ستوان یکم مالی شاهپور شرقی، ستوان یکم احمد وفا، استوار یکم هوایی ابوالقاسم حق پرست. (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۱۰۶)

حزب توده حالا میراث دار دو قیام افسران خراسان و فرقه دمکرات آذربایجان بود. حزب حالا آن اعتبار اولیه را در بین روشنفکران و عامه مردم نداشت و عملکرد حزب از شعارهای زیبای اولیه چون حفظ استقلال و تمامیت ارضی فاصله گرفته بود. بنابراین این حزب مجبور بود برای حفظ اعتبار خود با یک حرکت سیاسی انحلال سازمان نظامیان حزب توده را اعلام کند. تحت تاثیر خلیل ملکی، رهبری حزب یک سلسله تصمیماتی گرفت که نشانه تجدیدنظر در سیاست سه ساله حزب بود. طی اعلامیه ای رهبری اصول سیاست مورد قبول خود را عوض کرد و استقلال خود را اعلام و رابطه خود را با سازمان افسران قطع نمود. (طبری، ۱۳۶۷، ۸۰)

نتیجه گیری

حزب توده به دلیل وابستگی به دولت کمونیستی شوروی و تقویت از جانب این دولت در راستای سیاستهای حکومت کمونیستی شوروی عمل می کرد. حزب توده که در ابتدا با شعارهای مبارزه با فاشیسم حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و احترام به قانون اساسی تشکیل شده بود در ادامه با تشکیل سازمان نظامیان حزب توده و شرکت افسران این حزب در قیام فرقه دموکرات عملاً از شعارهای اولیه خود فاصله گرفت. بررسی قیام فرقه دموکرات نشان می دهد که سازمان افسران ابزاری در دست حزب کمونیست شوروی و حکومت استالین بود. بسیاری از افسران جوان در اثر تبلیغات اغوا کننده حزب توده کعبه آمال خود را حزب کمونیست و مسکو می دانستند و در دامی که کمونیستها و حکومت شوروی پهن کرده بود گرفتار آمدند. غافل از اینکه سیاست حکومت شوروی و حزب کمونیست آن بعد از جنگ جهانی دوم این بود که نفوذ و قدرت شوروی را به جایگاه قبلی یعنی دوره تزاری برساند. نشانه های این ادعا را می توان در الحاق کشورهای بالتیک (استونی، لتونی، لیتوانی) الحاق بسارابی و بوکوفین و ادعای مالکیت قارص و اردهان کاملاً مشخص بود. سیاست شوروی در آن برهه زمانی تبدیل شمال ایران به منطقه نفوذ خویش و تحصیل امتیاز نفت شمال بود و حزب کمونیست شوروی حتی نقشه آذربایجان بزرگ یعنی الحاق آذربایجان ایران به آذربایجان شوروی را در سر داشتند. سازمان نظامیان حزب توده بر اساس سیاستها و دستورات حکومت شوروی عمل می کرد و از خود اختیاری نداشت. حکومت شوروی آنها را به اهرم فشاری بر ضد دولت مرکزی ایران تبدیل کرده بود. سازمان افسران حزب توده با تمام توان خود به فرقه دمکرات در آذربایجان مدد رساندند. اهمیت سازمان افسران توده در قیام فرقه دمکرات آذربایجان تا جایی بود که ریاست ستاد ارتش و اداره نظام وظیفه فرقه دمکرات بر عهده افسران توده ای بود. در ادامه بسیاری از افسران توده ای به فرقه دمکرات پیوستند. مدد نیروهای شوروی به فرقه دمکرات کاملاً عیان بود. آنها حتی به مدد نیروهای نظامی مستقر در ایران از اعزام ارتش ایران برای سرکوب فرقه در شریف آباد قزوین ممانعت کردند. همچنین تعدادی توپ و تانک اسلحه های سبک و سنگین در اختیار فرقه گذاشتند و کارشناسان نظامی و غیر نظامی را برای مدد به فرقه به آذربایجان فرستادند. اما این همکاری و مساعدت شوروی چندان نپایید و در ادامه دیدیم که فرقه دمکرات و سازمان نظامیان حزب توده قربانی مصالح و منافع سیاستهای شوروی شدند. چرا که شوروی در اثر فشارهای بین المللی خاصه دو قدرت آمریکا و انگلستان و همچنین در پی شکایت ایران به شورای امنیت سازمان ملل شوروی

چاره ای جز قرارداد قوام- سادچیکف نداشت در نتیجه این توافق شوروی به هوای تاسیس شرکت نفت ایران و شوروی ، نیروهایش را از ایران خارج کرد و از حمایت فرقه دست برداشت و با حضور ارتش ایران به آذربایجان سران فرقه دمکرات به شوروی گریختند در این میان بسیاری از افسران حزب توده دستگیر و اعدام شدند. حزب توده که حالا و بعد از دو قیام نافرجام خراسان و فرقه دمکرات مورد ملامت و سرزنش روشنفکران روزنامه ها و احزاب مخالف بودند و شعارهای اولیه حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران را دیگر کسی باور نداشت و ماهیت تجزیه طلبانه اش برملا شد برای رهایی از این بدنامی و مذمت ها سعی کرد با یک حرکت سیاسی به پیشنهاد خلیل ملکی طرد و انحلال سازمان افسران را اعلام کند تا با این عمل توانسته باشد اعتبار از دست رفته در کشور را بازیابد.

منابع

اسکندری، ایرج، (۱۳۷۲). خاطرات ایرج اسکندری، تدوین و ویرایش عبدالله شهبازی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

الموتی ، ضیاء الدین، (۱۳۷۰) فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران - جنبش های چپ ، تهران، بی نا.

بختیار ، تیمور ، (۱۳۴۴) . کتاب سیاه در باره سازمان افسران حزب توده ، تهران ، نشر کالیفرنیا .

بیات ، کاوه ، (۱۳۸۳) . استالین و تشکیل فرقه دمکرات ، پرتال جامع علوم انسانی، شماره ۴۰ .

پسیان ، نجفقلی ، (۱۳۲۸) . مرگ بود بازگشت هم بود ، تهران ، بنگاه .

جامی ، ن ، (۱۳۶۲). گذشته چراغ راه آینده ، تهران ، ققنوس. حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی ، (۱۳۸۷) . به کوشش جمعی از پژوهشگران ، تهران، نشر مرکز اسناد .

حسنلی، جمیل ، (۱۳۸۷) . آذربایجان ایران، آغاز جنگ سرد، ترجمه منصور صفتی ، تهران، شیرازه .

حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی ، (۱۳۸۷) . به کوشش جمعی از پژوهشگران ، تهران، نشر مرکز اسناد .

خسروپناه ، محمد حسین ، (۱۳۷۷) . سازمان افسران حزب توده ، تهران ، شیرازه ..

ذبیح ، سپهر ، (۱۳۶۴) . تاریخ جنبش کمونیستی در ایران ، تهران ، موسسه مطبوعاتی عطایی .

زربخت ، مرتضی ، (۱۳۸۲) . خاطراتی از سازمان افسران حزب توده ، تهران، ققنوس.

طالع ، هوشنگ و پیمان حریقی ، (۱۳۸۹). گوشه های پنهان توطئه برای تجزیه مهاباد ، تهران ، انتشارات سمرقند.

طبری، احسان، (۱۳۶۷). کژراهه، تهران، امیرکبیر.

فاوست ، لوئیس ، (۱۳۷۴) . ایران و جنگ سرد ، ترجمه کاوه بیات ، تهران ، نشر اوحدی .

فرهمنند ، جلال ، (۱۳۸۳) . سازمان نظامی حزب توده ، نشریه تاریخ معاصر ، شماره ۳۱ .

قنبری ، آرش ، (۱۳۹۳) . پایان نافرجام سازمان افسران حزب توده ، نشریه تاریخ نو ، سال چهارم ، شماره ۸ . کیانوری ، نورالدین ، (۱۳۷۱) . خاطرات کیانوری ، تهران ، انتشارات اطلاعات .

لاجوردی ، حبیب ، (۱۳۶۹) . اتحادیه کارگری و خودکامگی در ایران ، ترجمه ضیا صدوقی ، تهران ، نشر نو . مدیر شانه چی ، محسن (۱۳۸۸) . پنجاه سال فراز و فرود حزب توده ، تهران ، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی .

مرادی مراغه ای ، علی ، (۱۳۸۱) . از زندان رضاخان تا صدر فرقه دمکرات آذربایجان ، تهران ، شیرازه .

یزدی ، خان ملک ، (۱۳۶۲) . غوغای تخلیه ایران ، تهران ، سلسله .